

## جلوه‌هایی از اخلاق متعالی در نهضت حسینی

فرج الله میرعرب

اخلاق در اسلام جای‌گاه ویژه‌ای دارد. به کمال رساندن ارزش‌های اخلاقی، از اهداف عمده بعثت پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، چنان‌که فرمود:

إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

رشد اخلاقی و عادت کردن به رعایت ارزش‌های الهی و متصف شدن انسان به خصال متعالی، بخشی مهم از رسالت پیامبر و امامان است.

بهترین راه آموزش اخلاق چیست و معلم نمونه اخلاق کیست؟ معصوم بهترین معلم و آموزش عملی در کنار تعلیمات گفتاری بهترین روش تدریس اخلاق. امامان معصوم اسوه‌اند و مظهر شایسته‌ترین خصلت‌های انسانی و خداپسند.

حسین عَلَيْهِ السَّلَام امام معصومی است که حتی در جریان قیام علیه ظلم، اصول اخلاقی را در برابر دشمن زیر پا نگذاشت و عاشورای او با همه ابعادی که دارد، جلوه‌گاه خلق و خوی متعالی و مکارم اخلاق است.

رفتارها و سخنان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و خانواده و یاران او در جریان نهضت، و خلق و خویی که از حماسه سازان عاشورا تاریخ گزارش کرده، منبع ارزشمندی برای آموزش اخلاق و الگوگیری در زمینه خودسازی، سلوک اجتماعی، تربیت دینی و کرامت انسانی است.

صفات ارزشمندی چون عاطفه، دل‌سوزی، مهرورزی، حیا، عفت، صبوری، ایثار، جوانمردی، وفا، توکل، خداجویی، همدردی و بزرگواری و... جلوه‌هایی از اخلاق متعالی عاشوراییان است. در سراسر نهضت جاویدان حسینی، می‌توان جلوه‌های اخلاق را دید.

در این مقال، چند نکته از خلق و خوی حسین علیه السلام و همران او را یادآور می‌شویم:

### عظوفت و مهربانی

امام حسین علیه السلام مظهر اسم رئوف، رحیم و شفیق خداست. به همین دلیل او با همه انسان‌ها حتی دشمنان خود مهربان است و دلسوز آنهاست. او تاب رنج کشیدن حیوانات را ندارد چه رسد به انسان‌ها! وجود او پر از مهر و عاطفه است. به همین جهت نتوانست دشمن خود و اسبانشان را تشنه ببیند و آنان را سیراب نسازد. در ماجرا دقت کنید تا عظمت اخلاق حسینی را ببینید:

امام حسین علیه السلام از منزلگاه «شراف» که حرکت می‌کردند به جوانان دستور دادند که آب بردارند. آنان آب فراوانی برداشتند. کاروان حرکت کرد. نیم روز راه که پیموده شد، صدای یکی از همراهان به الله اکبر بلند شد. امام علیه السلام هم فرمود: الله اکبر و از آن شخص علت تکبیر را پرسید... ابتدا خیال می‌کردند نخلستانی پیش رو می‌بینند، ولی لحظاتی بعد معلوم شد سپاه حرّ است که از طرف عبید الله زیاد مامور کنترل کاروان امام حسین علیه السلام است.

امام با مشورت، کاروان را به سمت بلندی‌های «ذوحسم» هدایت کردند تا فقط از یک طرف با دشمن رو در رو باشند.

حرّ با هزار سوار رسید و وقتی امام علیه السلام از او پرسید با مایی یا علیه ما، او با کمال جسارت گفت: علیه شما!

با وجود این امام حسین علیه السلام وقتی حال آنها و اسبانشان را دید و دریافت که تشنه و خسته‌اند، به یاران جوان خود فرمود: اینان و اسبانشان را سیراب کنید! جوانان برخاسته، همه را سیراب کردند.

علی بن طعان محاربی که از سپاهیان دشمن بود نقل کرده که من آخرین نفری بودم که به آن محل رسیدم و از پذیرایی عقب مانده بودم. امام حسین علیه السلام چون مرا دید و متوجه تشنگی من و اسبم شد، با کمال محبت مرا فرزند برادر خطاب کرد و فرمود: «شتری را که بار آب دارد بخوابان!» وقتی خواباندم، فرمود: بیاشام! من شروع به نوشیدن کردم (ولی در اثر خستگی نمی‌توانستم به خوبی مشک آب را تنظیم کنم تا آب بیرون نریزد و راحت بنوشم)، امام علیه السلام خود برخاست و لب مشک را برگرداند تا من و اسبم نوشیدیم و سیراب شدیم.<sup>۱</sup>

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۹۵-۳۹۷.

این حادثه‌ای بود از حوادث مسیر حرکت کاروان حسینی به سمت کربلا. کجای عالم و از چه کسی مشابه این رفتار را سراغ داریم؟ آیا جز انسان آراسته به اخلاق الهی می‌تواند چنین رفتاری داشته باشد؟ تنها حسین علیه السلام که مظهر کامل اخلاق الهی است نسبت به دشمن به حرمت انسانیت و نسبت به حیوانات به حرمت حق حیات، چنین احساسی را دارد و رحم و شفقت خود را شامل آنها قرار می‌دهد.

### توکل

توکل بر خدا، نمود اخلاق متعالی است. توکل از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم است. در روایات اسلامی نیز آمده است که هر که به غیر خدا دل خوش کند و پشت گرم حمایت او باشد، نا امید و خوار می‌شود. امام حسین علیه السلام در آغاز حرکت خویش از مدینه، تنها با توکل بر خدا این راه را برگزید. حضرت در وصیتی که به برادرش محمد حنفیه در آغاز حرکت از مدینه داشت، ضمن بیان انگیزه و هدف خویش از این قیام، در پایان فرمود:

ما توفیقی اِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَالِيهِ اَتَيْب.<sup>۱</sup>

به همین علت بود که حتی خبر بی وفایی مردم کوفه و شهادت مسلم بن عقیل علیه السلام نیز باعث بازگشت حضرت نشد.

حتی توکلش بر یاران همراه هم نبود. از این رواج آنان نیز خواست که هر که می‌خواهد بر گردد. با این توکل بود که هیچ پیش آمدی در عزم اوخلل وارد نمی‌کرد. صبح عاشورا با شروع حمله دشمن به اردوگاه امام، آن حضرت در نیایشی به درگاه خدا، این اتکال و اعتماد به پروردگارش را در هر گرفتاری و شدت و پیشامد سخت چنین بیان کرد:

اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَبِي  
ثِقَةً وَعَدَّةً...<sup>۲</sup>

و خدا را هم به عنوان عامل پشت گرمی و اطمینان نفس (ثقه) و هم نیروی حمایتگر و پشتیبان خویش (عدّه) خواند و این‌گونه مناجات در صحنه درگیری و آستانه شهادت،

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.  
۲. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۶.

جز از روح‌های متوکل بر نمی‌آید. در سخنرانی‌های دیگری که خطاب به سپاه کوفه داشت، با تلاوت آیاتی که متضمن ولایت و نصرت الهی نسبت به صالحان است، توکل خویش را بر خدا ابراز نمود:

﴿إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَكَّلِي الصَّالِحِينَ﴾<sup>۱</sup>

و در خطبه‌ای روز عاشورا، جمله: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبُّكُمْ» را بیان کرد که شاهد دیگری بر این روحیه و باور است.<sup>۲</sup>  
در طول راه در برخورد با ضحاک بن عبدالله مشرقی، وقتی وی آمادگی کوفیان را برای جنگ با سیدالشهدا علیه السلام اعلام کرد، تنها پاسخ امام این بود:

﴿حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

خدا برای من بس است و خوب پشتیبان و تکیه گاهی است.<sup>۳</sup>

موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۳۷۸)  
در آخرین لحظات، وقتی زخمی و نیزه خورده بر زمین افتاده بود، در مناجات عارفانه با معبود اثبات کرد که هرگز توکل خود را از دست نخواهد داد:

أَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا وَآتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَافِيًا.

### صبر

قرآن کریم بارها سفارش به صبر کرده و آن را رمز پیروزی و موفقیت شمرده است. استادان اخلاق اسلامی به پیروی از قرآن، همواره شاگردان را به آراسته شدن به این صفت ارزشمند سفارش می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَنْظُرُونَ أَنَّهُمْ مُلِّقُوا رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

از صبر و نماز کمک بجویید و آن بسی سنگین است مگر برای خشوع پیشه‌گان که یقین دارند به پیشگاه پروردگار خویش می‌روند و نزد او باز می‌گردند.<sup>۱</sup>

۱. اعراف، آیه ۱۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹.

۳. مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۵۷.

علامه طباطبایی می‌فرماید:

کلمه استعانت به معنای یاری خواستن است و این در وقتی صورت می‌گیرد که انسان به تنهایی نمی‌تواند مشکل و حادثه‌ای را که پیش آمده بر وفق مصلحت خود بر طرف سازد... صبر، هر بلا و حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند، و نماز که اقبال به خدا و التجا به او است، روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی می‌فهماند که به جایی تکیه دارد که انهدام پذیر نیست و به سببی دست زده که پاره شدنی نیست.<sup>۱</sup>

در تمام مراحل زندگی صبر، رمز موفقیت است. بدون صبر مصیبت‌ها و دشواری‌های راه، انسان را از پای در می‌آورد. آنچه حماسه کربلا را به اوج ماندگاری و تاثیر گذاری و فتح معنوی رساند، صبر امام حسین علیه السلام و یاران و همراهان او بود.

امام علیه السلام همواره بر صبر تکیه می‌فرمود و از همان آغاز گوشزد می‌کرد که هر کس صبر و تحملش کم است از سپاه او جدا شود. در یکی از منزلگاه‌های میان راه، فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلَيْسَ مِنْكُمْ مَعَنَا وَإِلَّا فَلْيُصْرَفْ عَنَّا؛

ای مردم! هر کدام از شما که تحمل تیزی شمشیر و زخم و ضربت نیزه‌ها را دارد همراه ما بماند، و الا باز گردد.<sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام صبر را شرط لیاقت همراهی و بی‌صبران را شایسته همراهی نمی‌دانست.

روز عاشورا، در اوج سختی کارزار یاران خویش را به صبر دعوت فرمود:

صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ! فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنِّ إِنْ أَلُو أَسِيعَةً وَالنَّعِيمَ الدَّائِمَةَ؛

صبر و مقاومت کنید، ای بزرگ زادگان! چرا که مرگ، تنها پلی است که شما را از رنج و سختی عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند.<sup>۳</sup>

۱. بقره، آیه ۴۵ - ۴۶.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. ینابیع الموده، ص ۴۰۶.

۴. نفس المهموم، ص ۱۳۵.

پس از نماز ظهر عاشورا باز هم از صبر گفت:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا.<sup>۱</sup>

دلیل این همه تاکید این است که انسان صبور، هم تحمل درد و مصیبتش بیشتر است و هم به دیگران روحیه می‌دهد.

سخت‌ترین ضربه‌های روحی و مصیبت‌ها؛ مانند شهادت فرزندان و یاران، بر امام حسین علیه السلام وارد شد، ولی هرگز خود را نباخت و تن به ذلت نداد.

جملات آن حضرت در مورد صبر بر داغ عزیزان و شهادت همراهان بسیار است و از آغاز نیز خود را برای تحمل این پیشامدها آماده کرده بود. هنگام خروج از مکه در خطبه‌ای که خواند و اشاره به آینده حوادث و پیش‌گویی شهادت خویش داشت، فرمود:

نصبرُ علی بلائِهِ وَ يُوقِنَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ؛

ما به رضای خدا رضاییم، بر بلائی اوصبر می‌کنیم، اونیز پاداش صابران را به ما می‌دهد.<sup>۲</sup>

در شب عاشورا به خواهرش زینب علیها السلام و دیگر بانوان توصیه فرمود:

این قوم جز به کشتن من راضی نمی‌شوند، اما من شما را به تقوای الهی و صبر بر بلا و تحمل مصیبت وصیت می‌کنم.<sup>۳</sup>

روز عاشورا، علی اکبر را به تحمل و مقاومت در برابر تشنگی فراخواند:

إصْبِرْ يَا حَبِيبِي.<sup>۴</sup>

و نیز یکی از فرزندان امام حسن را که پس از نبرد، تشنه خدمت امام آمد و آب طلبید، به صبر دعوت کرد:

يَا بُنَيَّ إِصْبِرْ قَلِيلًا.<sup>۵</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸۹.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۳۶۷.

۳. موسوعه کلمات الامام الحسين، ص ۴۰۰.

۴. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۵.

۵. موسوعه کلمات الامام الحسين، ص ۴۵.

پس از شهادت قاسم، عموزادگان و اهل بیت خود را به صبر دعوت کرد:

صَبْرًا يَا بَنِي عُمُومَتِي، صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي.<sup>۱</sup>

در آخرین وداع، دخترش سکینه را نیز به صبر بر تقدیر الهی و دوری از شکوه دعوت کرد:

فَاصْبِرِي عَلَى قَضَاءِ اللَّهِ وَ لَا تَشْتَكِي.<sup>۲</sup>

از زمزمه‌های عرفانی خود آن حضرت در واپسین دم حیات نیز که بر زمین افتاده بود، همین صبر بر قضای الهی به گوش می‌رسید:

صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ، لَا إِلَهَ سِوَاكَ... صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ.<sup>۳</sup>

### تنفر از جنگ و خون‌ریزی

امام حسین علیه السلام از جنگ و خون‌ریزی متنفر بود. در جریان نهضت هم بسیار سعی کرد تا خون کسی ریخته نشود. یکی از اصول مهم در میدان‌های نبرد از نظر اسلام، پیش دستی نکردن در جنگ است. اسلام دین جنگ نیست و تا دعوت و موعظه کارساز باشد، هرگز با کسی جنگ نخواهد کرد.

امام حسین علیه السلام با وجود گرفتار شدن در تنگنا و اطلاع از بدتر شدن اوضاع در صورت تاخیر در نبرد با سپاه حرّ، با این‌که بعضی از یاران توصیه به جنگ می‌کردند، حاضر نشدند آغاز گر جنگ و یا حتی تحریک‌کننده بر آن باشند.

حرّ امام علیه السلام را، با همه محبتی که به او کرده بود، روز دوم محرم در منطقه نینوا، دور از فرات، در بیابان بی‌آب فرود آورد و اجازه حرکت نمی‌داد. زهیر بن قین به امام عرض کرد: من آینده را سخت‌تر می‌بینم، خوب است هم اینک جنگ را آغاز کنیم؛ زیرا جنگ با این گروه آسان‌تر از جنگ با سپاهسانی است که از پی می‌آیند! امام علیه السلام فرمود:

من آغاز گر جنگ نخواهم بود. و با گفت‌وگو و اصرار حرّ را راضی کرد که در کربلا و نزدیک فرات فرود آیند.<sup>۱</sup>

۱. همان، ص ۴۶۵.

۲. همان، ص ۴۹۰.

۳. مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۵۷.

رجوع به مقاتل و کتب تاریخ نشان می‌دهد که امام علیه السلام بارها حرّ و عمر سعد را نصیحت کرد تا از جنگ و خون‌ریزی جلوگیری کند. حضرت روز عاشورا بارها سخنرانی کرد و برای جلوگیری از جنگ تلاش کرد. آن حضرت به شدت تلاش می‌کرد تا از جهنمی شدن آن مردم جلوگیری نماید.

### اهمیت دادن به حق الناس

امام حسین علیه السلام در هیچ حالی حاضر نبودند حق الناس پایمال شود. وقتی امام علیه السلام وارد کربلا شدند، از اطرافیان در مورد مالکان زمین‌ها پرسیدند و بعد از یافتن مالکان که از مردم نینوا و غاضریه بودند، آن زمین‌ها را به شصت هزار درهم خریدند تا قبرشان در ملک غیر نباشد. حضرت بعد از خرید، آن زمین‌ها را به صاحبانشان صدقه داد و از آنها خواست تا زائرانش را راهنمایی کنند و از آنان سه روز پذیرایی نمایند.<sup>۲</sup>

### غیرت

یکی از صفات ارزشمند در اخلاق اسلامی، «غیرت» است. «غیرت» یعنی غیر را در حریم خود راه ندادن.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ؛<sup>۴</sup>  
غیرت از ایمان است.

کسی که به ناموس و همسر یا فرد مورد علاقه‌اش به حدی اتمام ورزد که به دیگری اجازه و تعرض به حریم خویش ندهد، با غیرت است. انسان غیور، نمی‌تواند تحمل کند که دیگران با نگاه‌های ناپاک یا انگیزه‌های فاسد، به همسر و بستگان او نزدیک شوند و قصد سوء داشته باشند.

خداوند بندگان با غیرت را دوست می‌دارد:

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۱۸ - ۴۲۰.

۲. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۸، کربل.

۳. همان.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴.



إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْغَيْرَ؛<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام فرموده است:

... وعفته علی قدر غیرته؛

عفت انسان به قدر غیرت اوست.<sup>۲</sup>

بنی‌هاشم، غیرتمندان روزگار خویش بودند. جوانان بنی‌هاشم پیوسته اهل بیت امام حسین علیه السلام را در طول سفر به کربلا، محافظت می‌کردند. شب‌ها نیز با حراست این جوانان، به ویژه قمر بنی‌هاشم، زنان حرم آسوده و بی‌هراس می‌خوابیدند. امام حسین علیه السلام در رجز حماسی خویش روز عاشورا بر حمایت از خانواده پدرش تاکید می‌فرمود:

أَحْمَى عِيَالَاتِ أَبِي، أَمْضَى عَلَى دِينِ النَّبِيِّ؛

من از خانواده پدرم حمایت می‌کنم، من پیرو دین پیامبر صلی الله علیه و آله هستم.<sup>۳</sup>

روز عاشورا حضرت خانواده، دختران و خواهر خود را به اجتناب از گریبان دریدن و چهره خراشیدن توصیه کرد و آنان را از آه و زاری و واویلا سر دادن بر حذر داشت تا مبادا بدن آنها را دشمن ببیند یا صدایشان را بشنود. در واپسین لحظات هم که مجروح بر زمین افتاده بود، وقتی شنید که گروهی از سپاه دشمن قصد حمله به خیمه‌ها و تعرض به زنان و کودکان دارند، بر سرشان فریاد کشید:

إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ...؛

ای پیروان آل ابوسفیان، اگر دین ندارید و از معاد نمی‌ترسید، پس در دنیایتان آزاده باشید و اگر عربید، به اصل و تبار خویش برگردید...<sup>۴</sup>

فَأَمْنَعُوا عَتَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا؛

من با شما می‌جنگم و شما با من می‌جنگید، به زنان که نباید تعرض کرد، تا وقتی من زنده‌ام، طغیان گرانتان را از تعرض نسبت به حرم من باز دارید.<sup>۵</sup>

۱. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۵۷.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۴۷.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۹.

۴. همان، ص ۵۱.

۵. همان.

از غیرت او بود که در همان حال هم از کار ناجوانمردانه سپاه دشمن برآشفت و اعتراض کرد و تا زنده بود نتوانست تحمل کند که نامردان به حریم ناموس او نزدیک شوند.

طرفداران امام حسین علیه السلام هم مردمانی با غیرت بوده و هستند. عبدالله عقیف ازدی در کوفه بر ضد ابن زیاد اعتراض کرد و اسیر گرفتن خانواده حسین علیه السلام و عترت پیامبر را خلاف غیرت اسلامی می‌دید.

زینب کبری علیها السلام در شام و مقرر حکومت یزید اعتراض کرد که چرا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را در معرض دید و تماشای مردم کوچک و بازار قرار داده است.<sup>۱</sup> غیرت زینب اجازه نمی‌داد که ناموس رسول الله صلی الله علیه و آله در معرض نگاه اجنبی باشد.

### عفت و حیا

کرامت انسانی زن، در سایه عفاف او تأمین می‌شود. اسلام برای حفظ عفت و پاکدامنی زن و حفظ جامعه از آلودگی‌های اخلاقی قوانین محکمی تشریح کرده است. نهضت عاشورا برای احیای ارزش‌های دینی بود و در سایه آن عفت زن مسلمان نیز جایگاه خود را یافت و امام حسین علیه السلام و زینب کبری و دودمان رسالت، چه با سخنانشان، چه با نحوه عمل خویش، برای حفظ این گوهر ناب کوشیدند.

حسین بن علی علیه السلام به خواهران خویش زینب علیها السلام و ام کلثوم علیها السلام و به دخترش فاطمه علیها السلام توصیه فرمود که اگر من کشته شوم، گریبان چاک نزنید، صورت مخراشید و سخنان ناروا و نکوهیده مگویید.<sup>۲</sup>

سید بن طاووس در لهوف نوشته است: شب عاشورا امام حسین علیه السلام در گفت‌وگو با خانواده‌اش آنان را به حجاب و عفاف و خویشتن‌داری توصیه کرد.<sup>۳</sup>

در لحظات بحرانی عصر عاشورا، وقتی آن حضرت صدای، گریه بلند دخترانش را شنید، برادرش عباس علیه السلام و پسرش علی علیه السلام را فرستاد که آنان را به صبوری و مراعات آرامش دعوت کنند، تا مبادا صدای ناموس حضرت به گوش نامحرمان و مردان اجنبی برسد.<sup>۴</sup>

۱. حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۳۷۸.

۲. موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۴۰۶.

۳. الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۴۲.

۴. وقعة الطف، ص ۲۰۶.

امام سجاد علیه السلام نیز تا می‌توانست، مراقب حفظ شئون و حرمت بانوان بود. در کوفه به ابن زیاد گفت: اگر اهل تقوایی، مرد مسلمان و پاکدامنی را همراه این زنان بفرست!<sup>۱</sup> شیخ مفید می‌نویسد: پس از کشته شدن امام حسین علیه السلام وقتی گذر عمر سعد نزد زنان و دختران امام شهدا افتاد، زنان بر سر او فریاد زدند و گریستند و از او خواستند که آنچه را از آنان غارت شده به آنان بازگرداند، تا به وسیله آنان خود را بپوشانند.<sup>۲</sup> روز عاشورا وقتی زینب کبری علیها السلام بی‌طاقت شد و به صورت خود زد، امام به او فرمود:

آرام باش، زبان شماتت این گروه را نسبت به ما دراز مکن.<sup>۳</sup>

در حادثه حمله دشمن به خیمه‌ها و غارت آنچه آنجا بود، زنی از بنی بکر بن وائل از بانوان حرم دفاع کرد و خطاب کرد که:

ای آل بکر بن وائل! آیا دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را غارت می‌کنند و جامه‌هایشان را می‌برند و شما می‌نگرید؟<sup>۴</sup>

ام‌کلثوم علیها السلام به مامور بردن اسیران گفت: وقتی ما را وارد شهر دمشق می‌کنید از دری وارد کنید که تماشاچی کمتری داشته باشد. و از آنان درخواست کرد که سرهای شهدا را از میان کجاوه‌های اهل بیت فاصله بدهند تا نگاه مردم به آنها باشد و حرم رسول الله را تماشا نکنند.<sup>۵</sup>

از اعتراض‌های شدید حضرت زینب علیها السلام به یزید، این بود: ای یزید! آیا از عدالت است که کنیزان خود را در حرمسرا پوشیده نگاه داشته‌ای و دختران پیامبر را به صورت اسیر شهر به شهر می‌گردانی، حجاب آنها را هتک کرده، چهره‌هایشان را در معرض دید همگان قرار داده‌ای که دور و نزدیک به صورت آنان نگاه می‌کنند؟!<sup>۶</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۵۰.

۲. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. الملهورف علی قتلی الطوفوف، ص ۱۵۱.

۴. همان، ص ۱۸۱.

۵. همان، ص ۱۴۲.

۶. همان، ص ۲۱۸.